

# اندیشه تقریبی

## آیت‌الله سید محمد مهدی خراسان با الهام از سیره فقهای فریقین



عبدالله حیم آبادی \*

### مقدمه

ارزش و اهمیت وحدت امت اسلامی از صدر اسلام، همواره مورد توجه و تأکید پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است، کتاب آسمانی قرآن مسلمانان را دعوت کرد، تا به ریسمان خدا چنگ بزنند و پراکنده نشوند. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳)؛ از سوی دیگر، تفرقه و اختلاف را منفور شمرده و در ردیف عذاب‌های آسمانی قرار داده و فرمود: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام، آیه ۶۵)؛ بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را به هم بیامیزد و طعم جنگ و اختلاف را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

حد توان و اطلاع پرداخته شده است.

### ● آغاز تاریخی تقریب

آنچه که از نظر تاریخی روشن است، در حوزه درسی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام علاوه بر اصحاب و شیعیان از شخصیت‌های غیر شیعه زیادی با گرایش‌های مختلف دینی و مذهبی در رشته‌های گوناگون حضور داشتند و با آن حضرت و اصحابش ارتباط علمی و حدیثی برقرار می‌کردند.

در این میان حضور جمعی از بزرگان اهل سنت که بعضی شخصیت فقهی و کلامی به شمار می‌آمدند، تعدادی نیز در ردیف رهبران و پیشوایان مذاهب اربعه شمرده می‌شوند، قابل توجه است. علاوه تعداد زیادی محدثان اهل سنت را شاهد هستیم که در سلسله سند احادیث قرار دارند و از طرق خود از امام صادق و بعضی امامان معصوم علیهم السلام دیگر حدیث روایت کردند. (عفیف البعلبکی، ۱۹۶۹م، ص ۱۹۳) چنان که صاحبان صحاح، بخاری، ترمذی، مسلم، نسائی، ابن ماجه ابی داود، احمد و صاحبان سنن، مسانید، جوامع و معاجم اهل سنت آن‌ها را در سلسله اسناد خود آوردند. علاوه در منابع شیعی نیز به اسامی و بیوگرافی بعضی از آنان مانند: بن جریج، یحیی بن سعید انصاری، سفیان بن عیینه، سفیان بن سعید ثوری، محمد بن اسحاق بن یسار صاحب مغازی، ابوسعید بن یحیی بن سعید قطان انصاری، شعبه بن حجاج ازدی، ایوب بن ابی تمیمه سجستانی،

از طرفی قرآن هشدار جدی به اختلاف افکنان دارد و خطاب به آنان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعَاً لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ (همان، آیه ۱۵۹)؛ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آن‌ها نداری! سر و کار آن‌ها تنها با خداست. در جای دیگر اختلاف و پراکندگی را یکی از علائم «شُرک» شمرده و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَتَقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعَاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم، آیات ۳۱ و ۳۲)؛ و از مشرکان نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و هر گروهی به آنچه نزد آن‌هاست وابسته و خوشحال‌اند.

چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام بر این اصل تأکید دارد و می‌فرماید: «فإن يد الله على الجماعة و اياكم و الفرقة فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بپرهیزید، زیرا شخص تک‌رو، شکار شیطان است، همان‌گونه که گوسفند از گله جدا افتد، طعمه گرگ شود.»

علما و فقهای فریقین با توجه به همین فضای فرهنگی و تربیت ناب اسلامی، که از کتاب خدا و سنت رسول و اهل بیت علیهم السلام سرچشمه گرفته می‌شد در طول تاریخ همواره در کنار هم، شاگرد و استاد هم بودند و از هم بهره علمی می‌گرفتند که در این نوشتار به سیر تاریخی و روند چگونگی این ارتباط در

واصل بن عطا معتزلی و... اشاره شده است. (حکیم و همکاران، ج ۸، ص ۹-۲۲، ۱۴۲۲ق.) از سوی دیگر، می‌بینیم دو تن از فقیهان برجسته معاصر آیتین مرحومین: سید مهدی روحانی و علی احمدی میانجی این شخصیت‌ها را استخراج کردند و با این نگاه و گرایش یک دوره کامل اثر فقهی تألیف نمودند که یک جلد آن با نام «فقه الشیعه من طرق اهل السنه» چندسال پیش به مرحله چاپ رسید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت و جلدهای بعدی هم قرار است منتشر شود. همه این رخدادهای بهترین و محکم‌ترین شاهد بر این واقعیت و حقیقت تاریخی است که فقها و محدثان فریقین به هم اعتماد داشتند و از هم حدیث نقل می‌کردند و ارتباطشان مستمر بوده است.

همین ارتباط‌های طرفینی در دوران غیبت صغری توسط نواب اربعه نیز برقرار بود و ادامه پیدا کرد که جا دارد، این مقطع در وقت مناسب و به صورت مستقل مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

### ● تقریب در عصر غیبت کبری

در آغاز عصر غیبت کبری همین روند با الهام از سیره ائمه معصومان علیهم‌السلام ادامه یافت، شیخ محمدبن یعقوب معروف به «شیخ کلینی» (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) از شخصیت‌های برجسته حدیثی و فقهی شیعه است که در بغداد حضور داشت و مورد اعتماد و مراجعه شیعه و سنی بوده و برادران اهل سنت در

فتوا به وی مراجعه می‌کردند و به همین سبب به لقب «ثقة الاسلام» شهرت یافت (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ۷/۷۹)، یعنی مورد وثوق جامعه مسلمین اعم از شیعه و سنی شد. علاوه بر اساتید شیعی از دو نفر محدثان سنی به نام‌های: محمدبن احمد جبار و علی بن ابراهیم بن عاصم از استادان وی به شمار می‌آیند (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ۵/۴۳۳). ابن اثیر در جامع الاصول و برادرش در الکامل فی التاریخ و ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان که از محدثان و مورخان سنی هستند از مقام علمی، موقعیت و محبوبیت اجتماعی کلینی سخن گفتند.

محمدبن علی بن بابویه معروف به «شیخ صدوق» (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) که مقام و منزلتش بر کسی پوشیده نیست با محدثان و علمای سنی مرتبط بود، او ساکن شهر ری بود، اما سفرهای طولانی و زیادی به مناطق گوناگون داشت از بلخ و بخارا گرفته تا مکه، مدینه، کوفه، بغداد، نیشابور، گرگان، خراسان، سمرقند، سرخس، فرغانه و سایر مناطق ماوراءالنهر را دور زد و از محدثان شیعه و سنی حدیث شنید (امین، ۱۴۰۳ق، ۱۰/۲۴) و آن‌ها را در مجموعه‌های گران سنگ مانند: «من لا یحضره الفقیه» و غیره تدوین و تألیف کرد. شیعه و سنی از محضرش بهره‌مند می‌شدند (قمی، بی‌تا، ص ۵۶۱) وی در همین کتاب از محدث سنی عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح حدیث نقل می‌کند. (صدوق، بی‌تا، ۴/۱۳۵) از جمله مشایخ سنی

نامه‌های روایی و نقل حدیث به هم می‌دادند و برای هم نوشتند که این اتفاق مبارک در نوبه خود در جهت تألیف قلوب علمای فریقین و تقریب میان آن‌ها بسیار حائز اهمیت بوده و جای تجزیه و تحلیل ویژه دارد. در این بخش به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ.ق.) در اجازه کبیره خود به بنی زهره حلبی نقل کتب حدیثی برخی از علمای سنی از جمله: کتاب شیخ فاروق واسطی، کتاب شیخ تقی الدین عبدالله بن جعفر کوفی حنفی، کتاب شیخ فخرالدین محمد بن خطیب شافعی، کتاب افضل الدین خونجی شافعی، کتاب شافعی ابو عبدالله محمد بن سلامه القضاعی المعری، مسند احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی)، مسند صحیح بخاری، موطأ مالک بن انس، کتاب النکت علی بن عیسی رمانی، سنن ابی داود، سنن بیهقی، مسند شافعی، مسند ابن عدی، مسند ابی یعلی موصلی را به بنی زهره تجویز کرده است و در سلسله مشایخ خود از عالمان سنی مذهب از جمله: ابی الفتح سلیمان بن ایوب رازی شافعی، ابی المکارم ناصر بن ابی المکارم مطرزی حنفی، ابی المویذ موفق بن احمد حنفی و... نام برده است (مجلسی، بی تا، ۶۰/۱۰۴-۱۳۸ و تهرانی، ۱۴۰۳، ق. ۱/۱۷۶).

۲. در این میان اجازه یکی از علمای سنی به نام شیخ محمد بن یوسف شافعی، متولد کرمان و ملقب به «شمس الائمه» به شهید اول که در جمادی الاولی ۷۵۸ صادر شده است از

مذهب وی در فرغانه از شهرهای ازبکستان: ابو محمد محمد بن ابی عبدالله شافعی و ابو احمد محمد بن جعفر بن دار شافعی و... بودند (صدوق، بی تا، مقدمه، ۱۱/۱).

شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن عبیدالله بن حسن بن بابویه (متوفای ۵۸۵ ق)، برادرزاده شیخ صدوق و عالمی فاضل، فقیه و محدث بوده و از شیخ طبرسی، شیخ ابوالفتوح رازی و بسیاری از عالمان و محدثان شیعه و سنی روایت کرده است (مجلسی، بی تا، ۱۹۵/۱۰۲ و صدر، ۱۳۷۵ ش، ۲۷۳) عبد الکریم بن محمد رافعی قزوینی از شاگردان سنی مذهب او و صاحب کتاب التدوین فی أخبار قزوین است (قمی، بی تا، ۳۱۰) او در این کتاب شرح حال مفصلی از استادش آورده و درباره وی چنین گفته است: «او در علم حدیث و کثرت سمع و ضبط، و حفظ و جمع حدیث، بسیار شاداب و با طراوت و جدی بود. هر کس که می‌یافت، از او کسب علم می‌کرد و هر آنچه می‌یافت، می‌نوشت و کمتر کسی در این اعصار است که در این باره به مرتبه او برسد. منتجب الدین در ادامه می‌نویسد: از خرمن دانش این مرد بزرگ بهره فراوان بردم آن قدر که در این نوشته نمی‌توانم حق او را به جا بیاورم (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ ق ۳/۳۷۲-۳۷۸ و موسوی خوانساری، ۱۳۹۰ ش، ۳۱۶/۴).

#### ● اجازات و توثیقات علمای فریقین از هم

علما، محدثان و فقهای شیعه و سنی در آغاز دوران غیبت علاوه بر بحث‌های علمی و استاد و شاگردی که با هم داشتند، اجازه

در متن آن نام کتاب‌های مهم علمای سنی و اسامی بعضی مشایخ سنی مذهب خود را ذکر نموده و اجازه نقل از آن‌ها و احادیث کتاب آن‌ها را به وی صادر می‌کند (مجلسی، بی تا، ۱۹۹/۱۰۴ تا ۲۰۴).

۴. شیخ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی، (شهادت ۹۶۶ هـ. ق) معروف به شهید ثانی از فقهای معروف شیعه ساکن جبل عامل بود. وی به مصر، دمشق، حجاز، فلسطین، عراق و استانبول مسافرت کرده است تنها اساتید سنی او را دوازده تن نوشته‌اند. او به مذاهب پنج گانه جعفری، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی مسلط بود و اولین بار فقه تطبیقی را او تدریس کرد. با علمای اهل سنت ارتباط مستمر داشت. در سفری به مصر با شیخ فاضل «شمس‌الدین بن طولون دمشقی» دیدار کرد و مجموعه‌ای از احادیث صحیحین را در صالحیه در مدرسه «السلمیه» قرائت کرد و اجازه روایت آن دو را از وی گرفت.

در ذی‌الحجه (سال ۹۴۸ هـ. ق) طی سفری به بیت‌المقدس با «شیخ شمس‌الدین بن ابی‌اللطیف مقدسی» دیدار کرد و بخشی از صحیح بخاری و قسمتی از صحیح مسلم را بر او خواند و اجازه‌ای عام به او داد. در (سال ۹۵۲ هـ. ق) به روم سفر کرد و در قسطنطنیه به مدت هجده روز رساله‌ای شامل ده مبحث از مباحث ده گانه علوم پرداخت و آن‌ها را به قاضی العسکر محمد بن محمد بن قاضی‌زاده رومی رساند. در این سفر هم چنین با سید عبدالرحیم

جایگاه منحصر به فردی قرار دارد وی در این متن ضمن اجازه نقل حدیث بعضی کتب اهل سنت و ذکر نام آن‌ها، می‌نویسد: «فاستخرت الله واجزت علی اننی ما کنت اهلا لذلک ولکن جری عهد قدیم لذلک لفظا کتابته، لا کتابته کتابته، فله ان یروی عنی مت ثبت عنده انه من مرویات من صاعه ممده او من نتایج فکر أنا ابو عذره و ان کانت فیه مزجاء البضاعه علی شرایطها المعنبره عند اهل الصناعه و المأمول منه ان لاینسانی فی دعواته عند مضان اجابته. بلغه الله وایانا الی المطالب و رفع درجه الی المراتب.» (مجلسی، بی تا، ۱۸۳/۱۰۴ و ۱۷۴).

۳. شهید اول «محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی الجزینی» (شهادت ۷۸۶ هـ. ق) از جمله فقهای شیعه است که با علمای اهل سنت معاصر خود رفت و آمد داشت و اغلب علمای اهل سنت به حضورش می‌شتافتند (امین، ۱۴۰۳ ق، ۶۲/۱۰) او در یکی از اجازه‌های نقل حدیث خود متعلق به زین‌الدین ابوالحسن علی، معروف به «ابن الخازن» از علمای شیعه می‌نویسد: «من از حدود چهل تن از بزرگان علما و مشایخ اهل سنت در مکه و مدینه و بغداد و مصر و دمشق و بیت المقدس و مقام ابراهیم خلیل علیه السلام با آن‌ها دیدار کردم، روایت نقل می‌کنم.» (قمی، سفینه البحار، بی تا، ۷۲/۱).

از سوی دیگر، شهید اول در اجازه مفصلی به شیخ شمس‌الدین ابی جعفر از علمای شیعه

۱. علامه شیخ محمد علی بن ابراهیم ازهری مالکی (متولد ۱۲۸۰ق) در مکه بوده و رئیس مدرسین مسجد الحرام به شمار می آمد.
  ۲. شیخ عبدالوهاب بن عبدالله مکی و شافعی و امام جماعت مسجد الحرام.
  ۳. شیخ ابراهیم بن احمد (متولد ۱۲۸۸ق) مدینه، مدیر کتابخانه شیخ الاسلام در مدینه.
  ۴. شیخ عبدالقادر طرابلسی که از طریق شیخ علی مالکی به وی اجازه داده است.
  ۵. شیخ عبدالرحمن علیش حنفی.
- شیخ آغا بزرگ در این اجازه سه صفحه‌ای، ذیل هر کدام از این مشایخ به معرفی مختصر آن‌ها پرداخته و به طرق و مشایخ اجازات شان نیز اشاره کرده است که در نوع خود قابل تأمل و تجزیه و تحلیل است.

العباسی صاحب معاهد التنصیص دیدار کرد و اجازه از وی گرفت.

صاحب اعیان الشیعه تفصیل و جزئیات این سفرها، دیدارها و اجازات را گزارش کرده و حدود بیست نفر از مشایخ اجازه سنی مذهب وی را نام برده است (امین، ۱۴۰۳ق، ۱۴۷/۹ تا ۱۵۳).

۵. شیخ محمد محسن منزوی، معروف به «آغا بزرگ تهرانی» (متوفای ۱۳۴۸ش) صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و چند اثر مهم دیگر از جمله مشایخ برجسته روایی به شمار می آید که از طرق مختلف از فقهای شیعه و سنی نقل می کند و از آن‌ها اجازه نقل حدیث دارد. این دانشمند شیعی در یکی از اجازه نامه‌هایی که به شیخ فرج بن حسن آل عمران قلیفی به دست خط خویش نوشته، در آن از مشایخ اهل سنت خود به تفصیل نام برده است. از جمله آنان شخصیت‌های زیر است:





تحصیل در نجف با حضور در جلسات درس علمای بزرگ اهل سنت از مذاهب اربعه و دیگر فرق اسلامی در عراق و جاهای دیگر به شکل واقعی در راه تفاهم و نزدیک سازی قلوب علمای مذاهب تلاش کرد. در جلسه درسی علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (زنده ۱۳۵۶ق.)، علامه سیدابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفای ۱۳۶۵ق.)، علامه شیخ نورالدین شافعی، علامه سید عبدالوهاب افندی حنفی و علامه سیدعلی خطیب در نجف اشرف حاضر شد و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد. (مرعشی محمود، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۹).

این مرجع بزرگ از ۵۶ نفر، از شخصیت‌های معتبر اهل سنت اعم از شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی و... و هفده نفر از علمای زیدی اجازه روایی گرفته، که اغلب آن در کتاب دو جلدی مسلسلات آمده که توسط سیدمحمود مرعشی تدوین و چاپ شده است. جلد اول متن دست‌خط مجیزین است و جلد دوم شامل زندگی‌نامه اجازه‌دهندگان می‌شود. از سوی دیگر، به تعداد ۴۶ نفر از علمای اهل سنت اجازه روایی داده است. در کتاب «الاجازات الکبیره» که آیت‌الله مرعشی نجفی به فرزند برومندشان آقا سید محمود مرعشی نوشته، از این مشایخ نام‌برده شده و در ذیل هر یکی معرفی شده‌اند. (سماعی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۰ تا ۵۷۹) بعضی از این اجازات به

از جمله شخصیت‌های علمی حوزوی که در سلسله اسناد اجازات روایی در طرق علما و فقها و محدثان اهل سنت قرار دارد، حضرت آیت‌الله سید محمد مهدی خراسان رحمته است. معلوم می‌شود دایره تحقیقات و فعالیت‌های علمی این عالم پر تلاش فقط اختصاص به منابع شیعی نداشته و بلکه فراتر از آن از طرق ارتباط با علمای اهل سنت از منابع حدیثی آنان هم بهره برداری می‌کرده است.

مشایخ اجازات آیت‌الله سید محمد مهدی خراسان از طرق فقهای شیعه، میرزا حسین نوری، شیخ علی کاشف الغطا، سید حسن صدر، سید ابوتراب خوانساری و ... است، چنان که خود نیز مشایخ اجازه حضرات آیات: سید حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین، سید عبدالهادی شیرازی، علامه امینی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، میرزا مسلم ملکوتی و ... به شمار می‌آید.

۶. آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۳۶۹ش.) از ولایی‌ترین مراجع معاصر، بیشترین مرادده و ارتباط علمی و حدیثی را با علمای مذاهب اهل سنت داشته است و می‌توان او را از پیشگامان عرصه تقریب دوران معاصر نامید. وی از همان آغاز

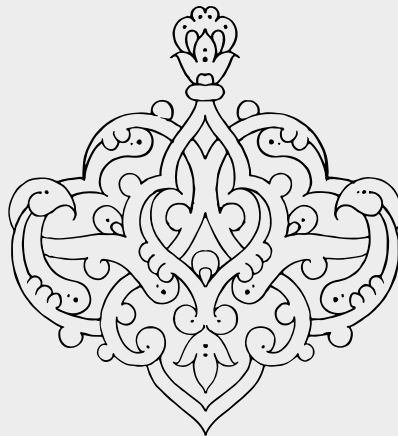


صورت «مُدَبَّجَه» یعنی طرفین هرکدام طرق روایی مشایخ خود را در آن ذکر می‌کنند که اسامی آنان در کتاب «مرجع میراث بان» آمده است (مرعشی محمود، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۲).

### ● نقش تقریبی آیت‌الله سیدمحمد مهدی خراسان

از جمله شخصیت‌های علمی - حوزوی که در سلسله اسناد اجازات روایی در طرق علما و فقها و محدثان اهل سنت قرار دارد، حضرت آیت‌الله سیدمحمد مهدی خراسان رحمته است. معلوم می‌شود دایره تحقیقات و فعالیت‌های علمی این عالم پر تلاش فقط اختصاص به منابع شیعی نداشته و بلکه فراتر از آن از طرق ارتباط با علمای اهل سنت از منابع حدیثی آنان هم بهره برداری می‌کرده است.

این مشایخ عبارتند از: شیخ حماد بن محمد الانصاری ساکن مدینه، علامه سیدعلوی بن عباس مالکی مکی، شیخ محمدابی الیسر بن عابدین مفتی شام، شیخ حبیب بن محمد علوی حضرمی مالکی، شیخ مجدالدین مؤیدی یمانی، شیخ محمد صالح بن احمد خطیب قادری دمشقی و سید بن حمزه نقیب شامی که در متن اجازه نامه برخی از آنان به تاریخ و مکان اجازه نیز اشاره شده است. آنچه که روشن این اجازه نامه ظاهر ماجراست و اگر ما بخواهیم پشت صحنه آن‌ها را مورد دقت و تأمل قرار بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که اخذ اجازات حاصل سال‌ها ارتباط علمی و فیزیکی آیت‌الله خراسان با این شخصیت‌های مذاهب اهل سنت می‌باشد.



## الاجازة

الحمد لله الذي رفع لمن وقف بابه قدراً ، وأعلى لمن اتسب  
لمرير جنابه ذكراً ، والملاء والسلام على سيدنا محمد الذي جرى  
الماء النعير من بين أسنانه وبنانه ، وتفجرت بنايغ الحكمة من قلبه  
ولسانه ، وعلى آله الأطهار وصحابه الأخيار . آمين

وبعد فان اخي حقاً وعبي في الله صدقاً *الاستاذ* *ذمير محمد بن محمد الحسين*  
قد أحسن ظنه بي فطلبني ان أجزئه في جميع مروياتي عن مشايخي *الموسوي*  
مع أنني لست بأهل ان أجاز فكيف بأن أجزئ ولكن الحقائق قد *الحضرة*

*تخفى*  
تنحفض ولكن زولاً عند رغبته وإجابة لطلبه وخروجاً عن إثم  
كتم العلم أقول : إنني قد اجزت الأخ المذكور في كل ما تجاوز لي  
روايته من معقول ومنقول وفروع وأصول كما اجازني بذلك اشياخي  
الفحول ، وأوصيه ونفسي بتقوى الله في السر والعلن فانها مفتاح  
العلم وطريق السعادة ، وان يجاهد ويجتهد في طلب العلم وتحصيل  
الفوائد منها بلغ مقامه وان يداوم على المذاكرة والتعليم والارشاد  
فانها وظيفة الأنبياء عليهم افضل الصلاة والسلام وان يقول الحق  
ولو كان مرأ وان ينصح لآخوانه المسلمين وان يتثبت في نقل العلم  
والافتاء ، وان يقول فيما لا يعلم : الله اعلم فانها نصف العلم .  
وقفنا الله لما يحبه ويرضاه ، والحمد لله رب العالمين .

علوي بن البرهبان المالكي المكي الحنفي

عصره مجمع ١٤ ذية المحرم ١٣٨٩  
١٣٨٩



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 وَعَنْتِ امْرَأَتِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الميزان  
 محمد صالح بن احمد الخطيب الفارسي الحسيني  
 في  
 رواية الأسانيد الدمشقية العالية  
 وإثبات بعض الأثرية والمسلمات المتصلة بالعلماء والمحدثين الثقات  
 جمعه الفقير الى عفوه ورحمة ربه الفاني  
 محمد صالح بن احمد الخطيب الفارسي الحسيني  
 غفر الله له ولشايخه ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين  
 والمسلمات الاحياء منهم والأموات  
 « قال غفر الله عنه وسامحه ووفقه لما يحبه ويرضاه »  
 كتاب قد حوى الدرر الفوالي تزينه الاستيد العوالي  
 اهدمه لإخوان كرام يتم لهم به حسن اتصال  
 بخير الخلق اكبرهم جميعاً ختام الرسل محمود الخصال  
 عليه الله صلى كل حين وسلم دائماً على صحب وآل  
 وقد اجزت به جميع اهل عصري ممن ادرك حياتي اجازة موقوفة على  
 رغبة وقبول من ارادها واذنت له ان يكتب اسمه فيما يلي :  
 «  
 وأوصي نفسي وإياه بتقوى الله في السر والعلانية ، والمحافظة على  
 كتاب الله واتباع سنة سيدنا محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم في  
 اقواله وأعماله مع الاخلاص وحسن النية وفقنا الله جميعاً لما يحبه ويرضاه  
 راجياً دعواته الصالحة بحسن الخاتمة .  
 وقراءة سورة الاخلاص ثلاثاً مع سورة الفاتحة واهداء نوابها لمشايخنا  
 ومشايعهم من أولهم الى آخرهم رحمهم الله .  
 طبع في دمشق الشام في المطبعة الهاشمية سنة ١٣٩١ تسعين وثلاثمائة والف  
 حقوق الطبع محفوظة ويطلب من جميع مكاتب تعشق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا ننسوه و كلفنا من العلمين بها

و المكتسبين لها و المتفقين فيها و نسأل الله ان يفتحنا بها علمنا منها و نورنا

العمل به و النصيحة للمسلمين فيها و ادا الحق و ارشاد من تعليمها و افاضة طلبها  
و مقتسبها و ان يصلح على محمد النبي الامم الذي بعثت النبوة و الرسا لة  
والله اعلم بما شرحت و لا عهد و عول و له و صحابه الذين ورثوه و من بعدهم و تابعوا  
النور الذي انزل معه و احبا هدا في الحق و جهاده و على كل من سلك سبيلهم و اتبعهم  
على و ثا و رخص و تنسك مما اشلا قهر و سيره

1 ما بعد فقره ضروري فنبيلة الشيخ محمد المهدي من السيد الكمب الموسوي الخراساني  
العرقي النجفي و طلب من وصل مستند و مستند اصحابه و الايتام  
فا سجدت بذلك تعظيما لرغبتهم مع اني لست اهل لذلك و لكن تشبها بالاعلام  
السابقين الكرام

و اذ اجزت مع القصور فاني: ارجو التنبه بالزيد احزا و  
السابقين الراكضين متوجها: سيقوا الى الفخر الجبار فاذنوا  
فا فعلوا وباللذات و توفيق اني قد اجزت الشيخ المذکور علاه بالسنه الثاني  
ان قرأت على شيخني بعض كتب السنه و احب اني بالعرض  
و ينبغي هو الشيخ عبد الغفار بن محمد من الباكستاني سمعت منه و قرأت عليه السنه  
و غيرها و سياتي بما لم سمعته منه بالسنه الثاني اخذ حريته من احد الله الرضوي  
عمر السببه ندر يرضين الرضوي غير الشاه و احب اني بالعرض و غير الرضوي  
عمر الشاه و اولي الله عودهم بما يرضون على امر الجاه و امره بمراحمس الكري و امرهم  
و

فهد حسين به مبارک الزبيري عمر عبد الاول بن عيسى العيزي عن

عبد الجبار بن طاهر الدودي عمر عبد الله بن احمد السرخسي عمر محمد بن يوسف  
الفرجاني عبد الجباري

واجبته و اردو عن الامهات الست من كتب الحدیث و غيرها

و اوصيه بدرجه الكتبا الخرفه و اسما الرجال من مصطلح الحدیث  
و ضبط الالفاظ المشكوكه في متنه بالاحاديث و احتجها معها  
و شروع الامهات الست لا سيما فتح الباري فانتهج بها و متابها  
و ما تفكره و ما بالنظر في معنى القران و كمال الحدیث و التحسين  
كل لفظ بعد لسان العرب

و اوصيه بتفه و الله تعالى في السرد و الجمل فان تقوى الله ملك جميعه الامات  
و احذر و مرارته و اجالفة السنه و اوليتها في التفرقة من لسان العرب  
و عيب عليه التبعه و الاصلاح لله و كتبها و كرسوله و جميعه الفقه في كل ما  
ياتيه مراحمس و السكنا  
و ارجوه ان يلائسني من صالح الدعوات في سباق و بعد معاني

و انما الكمب حيا - به محمد به محمد به محمد به المختار به محمد الشهير من قرية  
قيس به سعدا و رضا و ولدت سنة 1091 هـ في بلدة تادكبه  
في قرية الشريفة مرزا و علي، اي حالي في ثقل الصوم  
والله اعلم و سوا الله و سلم مع سينا حرم و الله و صحبه و التابعين لهم  
طيبا و طيبا



محمد بن محمد بن علي

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله تعالى وسلم على سيدنا محمد سيد المرسلين وعلامة النبیین وصلى الله  
 وصلى الله وسلم  
 كما بعد جان الهدي النبوية والكلام الله - وصبر الهدي ما بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم - واي اختيار  
 من الكتاب سبحانه بصحة النبوة التي غير السنة الامم من الاستفاح به فيما يتصور رتبة الله سبحانه  
 وسلا بالاربابية الشفعية في رواية الامامة بعد النبوة فانزل  
 حدیثی به والدی الرحمن ابو الخیر طایفه بن علی بن سیدة الاسود - قال حدیثی به والدی راجع ما بعد بن قسار  
 حدیثی فی الخلافة صحیحاً من صراطی بن - قال حدیثی شیخی الفصح شارح بن عبد العطار - قال حدیثی  
 شیخنا المعمر الحارثی الفصح عبد القهی الطائفی - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی الفصح عبد القهی  
 العسلی - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی شیخی المعمر الفصح عبد الرحمن البهوی العسلی - وهو  
 اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی الفصح جمال الدین یوسف الاصابی - وهو اول حدیث سمعته منه - فسأل  
 حدیثی والدی الطایفی زکیا - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی ابو الفصح احمد بن حنبل -  
 المسفلانی - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی زین الدین عبد الرحیم بن الحسن المرعزی - قال حدیثی  
 به ابو الفصح العیدوی - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی الشیخ ابو الفصح عبد اللطیف بن عبد الطحیم  
 المرعزی - وهو اول حدیث سمعته منه - قال حدیثی الحافظ ابو الفصح بن النجری - وهو اول حدیث سمعته منه -  
 قال حدیثی ابو حمید اسماعیل النیسابوری - وهو اول - قال حدیثی به والدی ابو صالح احمد - وهو اول - فسأل  
 حدیثی به ابو الطاهر محمد بن محمد الزیاری - وهو اول - قال حدیثی به ابو حامد احمد بن محمد البزاز - وهو  
 اول - قال حدیثی عبد الرحمن بن یحیی النیسابوری - وهو اول - قال حدیثی به عثمان بن عیبة - وهو اول - فسأل  
 من عن بن یحیی عن ابي تاروس بن علی بن سیدة بن النبی عن ابي عبد الله بن سیدة بن النبی عن ابي عبد الله بن سیدة  
 بن سیدة بن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال - " الراشدين برسوم الرحمن انزلت وعلی - رخصاً من فی الارض  
 برسم من فی السماء " -  
 والشیخ سید بن طاووس فی شرحه انما یاء - ورواه برسم الرحمن علی ائمة حجة مدحیة مدحیة - والشیخ علی ابن  
 حیان الاصحیح وکلامه صحیح لکن الاول اذبح - والمتصل اوله لا یحکم علی من بعد هذا الحدیث الحارثی  
 فی فضله الذکر والادب المبرور - واحمد والحمیدی فی منهجنا - والشیخ ابو داود فی منه  
 بالبرهان - وقال حسن صحیح - والحاکم فی مستدرکة صحیحهم وهو كذلك بما له من الطایفة والنوادر - وکثیر  
 الفصح انما یاء له شاهد من ائمة علم من الصحابة - وقال المرعزی هذا حدیث حسن ورواه یحیی بن یحیی  
 الفصح اذ - وقد عدده الحافظ بن حنبل المسفلانی قال -  
 ان من برسم أهل الارض  
 ان من برسم من فی السماء  
 برسم الخلق جميعاً  
 برسم الرحمن علی الارض  
 وذكر العلامة ابن عابدین فی منه من الحارثی النیسابوری الاحادیث المتصلة بالاربابية ثلاثة - احدها  
 حدیث الرخصة المذكور المشهور من عبد الله بن عمرو بن العاص - وثانيها حدیث ابي بن مائة رضي الله عنه  
 انه قال - سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول - " من احب ان يكثر خير بيته فليؤم ١٢١ حشر عداه واد  
 رفع " - ورواه ابن ماجه - وثالثها حدیث عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال - قال رسول الله صلى الله  
 عليه وسلم - " يجمع الله العشاء يوم القیامة يقول - اني ارجع حنكی فی عوامكم الا وانا اريد بكم العیة وحبوا  
 انی العیة " -

الى الجنة فقد عرفت لكم على ما كان حكمكم - " رواية الامام ابو حنيفة في مسنده - انتهى -  
 ولهذا الحدیث شاهد رواية الحافظ ابو القاسم الطبرانی عن ثعلبة بن النعمان بن النعمان قال - قال رسول الله صلى الله  
 عليه وسلم - يقول الله تعالى للجنة يوم القیمة اذ اذ بعد علی كرسیة لفضا عیاد - " انی لم اجعل علی وحیة  
 فیکم الا وانا اريد ان افر لكم علی ما كان حکم ولا اباي " - غنما - جید کتاب فی ابن کثیر فی تفسیره قول سورة  
 طه -  
 ولوله صلى الله عليه وسلم واذ بعد علی كرسیة لفضا عیاد من العشاء به الدن - يجب لفریضه الیه تعالی  
 كما فی غیره من العشاء بها - كما هو مذبح السلف - او تأویلها بما یاتی بالذات الحلیة كما هو مذبح الخلف -  
 وهذا النوع من العشاء به الدن له احوال فی الكتاب المنزیه - يجب رد علمه الیه تعالی - واولیة بما لا یختلف  
 الحکم لوجوب تعزیه الله تعالی من اوصاف الحدیث - وكوله تعالی ید الله فوی ایدهم - والرحمن علی العرش استوی  
 وجوده یؤید ناضرة الی ربها ناظرة - وحی وجده ربك ذو الجلال والاكرام - ایضا تولوا وتم وجهه الله - اذ یأمنها  
 وحوال ذلك -  
 وهذا القسم من العشاء به غیر القسم الذی لا یرجى به - اصلاً قطعاً - واول السور - وحکم هذا القسم غنما  
 حلیة المراد به وتفریضه الی الله تعالی - ولا یصیر كقولاً قبل يوم القیمة - وهو فی عوفه کیم الساطع - والله  
 تعالی اعلم - /

المخلف  
 محمد بن الولید  
 محمد بن عبد  
 الجبار

١٢٩٥  
 ١٢٩٥  
 ١٢٩٥



اسلامی را از اختلافات بر حذر داشته و به یک پارچگی و تفاهم دعوت می‌کردند و می‌کنند.

از سوی دیگر، منادیان وحدت بزرگان شیعه: سیدجمال‌الدین اسدآبادی (متوفای ۱۳۱۴ق.)، شیخ جعفر کاشف الغطا (۱۲۲۸ق.)، سیدمحسن امین صاحب اعیان‌الشیعه (متوفای ۱۳۳۱ق.)، سیدعبدالحسین شرف‌الدین (۱۳۳۷ش.)، شیخ عبدالکریم امام زنجانی (۱۳۴۷ش.)، سیدحسین بروجردی (۱۳۴۰ش.) و امام موسی صدر (ناپدید ۱۳۵۶ش.)ها را مشاهده می‌کنیم که ندای وحدت سر داده و پرچم صمیمیت بر دوش گرفتند و در مرحله عمل اقدامات بسیار ارزش‌مندی در جهت ارتباط طرفین، تألیف قلوب مسلمین و تقریب بین مذاهب انجام دادند.

### پی‌نوشت:

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، به کوشش صبحی صالح، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۳. امین، سید محسن، اعیان‌الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۴. تهرانی، شیخ اقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۵. حکیم، سید منذر و جمعی از محققان، اعلام الهدایه، المجمع العالمی لاهل‌البیت، اول، قم، ۱۴۲۲ق.

متأسفانه هرچه تلاش شد، تا اطلاعاتی هر چند اندک از شرح حال این مشایخ و شخصیت‌های اهل سنت به دست آوریم و برای خوانندگان معرفی کنیم، توفیق حاصل نشد و از این جهت جای پوزش دارد.

مشایخ شیعی آیت‌الله خراسان عبارتند از: حضرات آیات: سیدعبدالهادی شیرازی، هبه‌الدین شهرستانی، میرزا حسن بجنوردی صاحب القواعد الفقهیه، آغا بزرگ تهرانی، سیدعبدالاعلی سبزواری، سیدعلی موسوی خلخالی، سیدمرتضی موسوی خلخالی، سید علی بهبهانی، سیدعلی بهشتی، سیدمحمد روحانی و سیدمحمد صادق بحرالعلوم که همه این بزرگان از شخصیت‌های برجسته علمی در حوزه نجف به شمار می‌آیند و نیازی به معرفی ندارند. آیت‌الله خراسان از آغابزرگ تهرانی اجازه روایی متعدد دارد، که یکی از آن‌ها از طرق علمای اهل سنت و جماعت است که در پیش گذشت.

خوش‌بختانه در قرن‌های اخیر و دوران معاصر نیز همین سیره ادامه پیدا کرد و ما شاهد تلاش‌های تقریبی فقهای بزرگ و علمای سترگ از سوی رهبران هر دو مذهب بودیم و هستیم از یک سو صدای طنین انداز طلایه‌داران تقریب شخصیت‌های برجسته اهل سنت مانند: شیخ محمد عبده، شیخ محمد غزالی، سید قطب و شیخ محمود شلتوت‌ها را با گوش و جان می‌شنویم که امت

۶. رافعی قزوینی، عبد الکریم بن محمد، التدوین فی أخبار قزوین، تحقیق شیخ عزیز الله عطاردی، بیروت، عطاردی، ۱۴۰۸ ق.
۷. سماعی حائری، محمد، الاجازات الکبیره، اشراف سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۸. صدر، سیدحسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، بی جا، اعلمی، ۱۳۷۵ ش.
۹. سیدمحمود، مرعشی نجفی، مرجع میراث بان، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لایحضره الفقیه، مترجمان: علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق، بی تا.
۱۱. عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن حجر، لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. سید امیرعلی، تحقیق و ترجمه، عفیف البعلبکی، مختصر تاریخ العرب، بیروت، حزیران، ۱۹۶۹ م.
۱۳. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، بی نا، بی تا.
۱۴. همو، فواید الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، بی نا، بی تا.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، بی جا، خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. مرعشی، سید محمود، المسلسلات فی الاجازات، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. موسوی خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.